

رنج عرفانی و شور اجتماعی

کارکردهای یاد واقعه عاشورا در جهان امروز

نویسنده

حبيب الله بايى

با مقدمه

پروفسور محمد لنگرخواه



تهران ۱۳۹۳

سرشناسه : بابایی، حبیب‌الله، ۱۳۵۱ -
 عنوان و نام‌پدیدآور: رنج عرفانی و شور اجتماعی: کارکردهای یاد واقعه عاشورا در جهان
 امروز / نویسنده: حبیب‌الله بابایی؛ با مقدمه محمد لگنهاوسن.
 مشخصات نشر : تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : هشت، ۱۳۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۴۱۰-۳
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۱۹]-۱۲۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 عنوان دیگر : کارکردهای یاد واقعه عاشورا در جهان امروز.
 موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ ق -- سوگواری‌ها
 موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ ق -- جنبه‌های اجتماعی
 موضوع : عاشورا -- جنبه‌های جامعه‌شناختی
 موضوع : عاشورا -- تأثیر
 موضوع : رنج -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 موضوع : رنج -- جنبه‌های مذهبی -- مسیحیت
 شناسه اثر : لگنهاوسن، محمد، مقدمه‌نویس
 شناسه اثر دهنده : Legenhhausen, Mohammad
 شناسه افزوده : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 رده‌بندی کنکرم : ۱۳۹۳ ب۲/۴۱۵/۴۱۰
 رده‌بندی دیویی : ۲۷۰.۳۳۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۵۱۳۳۳

رجح عرفانی و شور اجتماعی
 کارکردهای یاد واقعه عاشورا در جهان امروز
 نویسنده: حبیب‌الله بابایی
 با مقدمه پروفیسور محمد لگنهاوسن
 چاپ نخست: ۱۳۹۳، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
 حروفچینی و آماده‌سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر ملی و فرهنگی کتیبه
 حق چاپ محفوظ است.



شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

○ اداره مرکزی: خیابان افريقا، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۱۰، کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۲۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۹۶۴۷؛ تلفن: ۱۵۸۷۷۴۵۶۹۷۰؛ فکس: ۲۴۵۷۲۰۸
 آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir
 ○ مرکز بخشی: شرکت بازرگانی کتاب گستر، خیابان افريقا، بین بلوار ناهید و گلشهر، کوچه گلفام، پلاک ۷۲؛ کدپستی: ۱۹۱۵۶۷۳۲۴۸۳؛ تلفن: ۴۳-۲۲۰۲۴۱۴۰؛ تلفکس: ۲۲۰۵۰۳۳۲۶
 آدرس اینترنتی: www.ketabgostarco.com info@ketabgostarco.com
 ○ فروشگاهه یک: خیابان انقلاب، رویه روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۴۰۰۷۸۶

فهرست مطالب

سپاسگزاری	نه
مقدمه محمد لنگتهار	پازده
مقدمه	۱
وضعیت متکثر نوین	۱
راهکارها و رویکردهای مختلف نسبت به وضعیت متکثر نوین	۳
نگرش الهیاتی به وضعیت متکثر نوین	۴
جایگاه رنج‌های متعالی در الهیات معطوف به وضعیت نوین	۵
وضعیت متکثر نوین در جلامعهٔ ایرانی	۸
خلاهای الهیاتی در رویکردهای روشنفکری	۱۰
جایگاه رنج متعالی در ادبیات روشنفکری	۱۰
مدعای این نوشته	۱۵
چارچوب کتاب	۲

فصل اول: چارچوب نظریِ کارکردهای وحدت‌بخشی یاد رنج متعالی در دوران

نوین	۲۱
پرسش‌های اصلی در این نظریه	۲۱
پیشینهٔ این نظریه در اندیشهٔ اسلامی و تفکر نوین	۲۲

۲۵	روش دستیابی به این نظریه
۲۶	اصطلاح‌های به‌کاررفته در این نظریه
۲۶	۱. الهیات عملی
۲۷	۲. یاد
۲۷	۳. رهایی‌بخش
۲۷	۴. رنج
۲۷	رنج وجودی (رنج برای)
۲۸	رنج عدمی (رنج از)
۲۸	۵. شور انسانی
۲۸	۱. انسجام اجتماعی
۲۸	انسجام است
۲۸	انسجام منفرد
۲۸	تفصیل و توضیح نظریه
۲۸	الف. مختصات یاد رنج وجودی (متعالی)
۳۰	ب. رابطه رنج و انسجام اجتماعی (اسلبی و ایجابی)
۳۰	پیش‌فرض‌ها و مبانی نظریه
۳۰	۱. پیش‌فرض‌ها و مبانی این نظریه با مخاطب نوین
۳۱	۲. پیش‌فرض‌ها و مبانی این نظریه با مخاطب مسلمان
۳۱	۳. پیش‌فرض‌ها و مبانی‌ای که ساختار نظریه آن بستگی ندارد، لیکن اثبات هر یک از آن‌ها مبانی این نظریه را توسعه و تنویر می‌بخشد
۳۳	ادله نظریه
۳۳	الف. ادله برای مخاطب غیرمسلمان
۳۳	قیاس منطقی برای اثبات این نظریه
۳۳	ب. ادله برای مخاطب مسلمان (در حد فرضیه)
۳۳	ج. شواهد عینی برای امکان انسجام اجتماعی از رهگذر یاد رنج متعالی
۳۳	کارکردها و دستاورد نظریه (آثار علمی و کاربردی حاصل از آن)
فصل دوم: کارکردهای رهایی‌بخش یاد رنج متعالی در مواجهه با رنج‌های انسان	
۳۵	معاصر
۳۵	مقدمه

۳۷	پرسش
۴۰	انواع رنج‌های پیامبران
۴۳	انسجام اجتماعی و یاد رنج وجودی
۴۶	شور نفسانی و رنج انسانی
۴۹	یاد آرام‌بخش و رنج سازنده
۵۱	یاد رنج وجودی و عشق معرفت‌بخش
۵۳	نتیجه‌گیری
۵۵	فصل پنجم: عزت نفس و کرامت غیر در از خودگذشتگی
	بلافاصله پس از قلمی کردن خویش و تناسب آن با تعزیز نفس و تکریم دیگران در
۵۵	عاشورا
۵۵	مقدمه
۵۷	عزت و کرامت
۶۰	عزت نفس در اسلام
۶۹	تناسب نگرش قربانی‌گرا و نگرش فخرانی‌گرا
۷۳	قربانی و عزت نفس در کربلا
۷۵	عزت نفس و حرمت دیگران در کربلا
۷۸	نتیجه‌گیری
۸۱	فصل چهارم: وحدت اسلامی در تاریخ اسلام بعد از عاشورا
۸۱	مقدمه
۸۴	عامل اختلاف بعد از خلافت یزید
۸۷	وحدت اسلامی بعد از عاشورا
۸۸	۱. وحدت اسلامی در قیام‌های بعد از عاشورا
۹۱	۲. وحدت اسلامی در کانون‌های اسلامی شیعی و سنی
۹۲	کانون‌های اهل سنت
۹۸	۳. وحدت اسلامی در هویت اسلامی
۹۸	الف. هویت سیاسی در دولت‌های اسلامی بر پایه مفاهیم عاشورایی
۱۰۱	ب. هویت تاریخی مسلمانان

- ۱۰۳..... تقابل میان دو من تاریخی
- ۱۰۶..... تأثیر هویت بخشی من تاریخی امام حسین (ع) در دنیای غیرمسلمانان
- ۱۰۹..... نتیجه گیری

۱۱۱..... خاتمه

۱۱۵..... و نامه

۱۱۹..... منابع فارس و عربی

۱۲۷..... منابع ملیسی

هپاسگزاري

صورت‌بندی این مجموعه و همراهی بسیاری از استادان و اندیشمندان در غرب و در ایران بوده است که همه‌ها در زشمندی بر آن افزودند و کاستی‌های بسیاری را از آن زدودند. شروع این پروژه در سال ۲۰۰۸ میلادی در مؤسسه مطالعات پیشرفته، در فرهنگ^۱ آغاز گردید و مقاصد نخست آن حمایت استادان و محققان آن مؤسسه^۲ انجام پذیرفت و سپس در دانشگاه کمبریج منتشر شد. در این میان استادانی همچون عبدالعزیز ساشادینا^۳، جیمز هانتز^۴ و جوش یترز^۵ بای باری مرا در تجربه نخست خود در فضای فکری و فرهنگی غرب یاری نمودند. در میان دین‌شناسی دانشگاه ویبرجینیا غیر از استاد ساشادینا، که سهمش در این کتاب^۶ است و من هم به پاس لطف و محبتش این اثر را به ایشان هدیه می‌کنم، استاد دیوید نیز بودند که از بذل کمک‌های عالمانه خود به من دریغ نکردند. کون هارو^۷، پیر ایشور^۸، چارلز (چاک) متیوز^۹، پل جانز^{۱۰} و بالاخره پروفیسور لری بوشارد^{۱۱} از جمله این استادان بودند. لری بوشارد یکی از بهترین تجربه‌های من در امریکا بود. او به‌رغم فعالیت جسمانی، در سیره علمی و اخلاقی‌اش واقعاً استاد و بی‌نظیر بود.

1. Institute for Advanced Studies in Culture

2. Abdulaziz Sachedina

4. Joesh Yeats

6. Peter Ochs

8. Paul Jones

3. James Hunter

5. Kevin Hart

7. Charles Mathews

9. Larry Bouchard

غیر از استادان موسسه IASC و دانشگاه UVA، دکتر بل وایدر^۱ نیز که اکنون رئیس مرکز مطالعات مسیحی در شارلوتسویل است، در تطبیق ایده رنج به سنت مسیحی و در معرفی کتاب‌های مختلف در این موضوع کمک‌های خوبی به من کرد. علاوه بر استادان دانشگاه ویرجینیا، برخی از دانشجویان دکتری در رشته‌های جامعه‌شناسی، الهیات و دین‌شناسی نیز در شکل‌گیری این ایده و اصلاح کاستی‌های آن سهم خوبی داشتند که امکان ذکر نام یک یک آن‌ها در اینجا مقدور نیست.

بعد از بازگشت به ایران، این نظریه با استادان مختلفی مانند محمد لگنهاوسن، مصطفی ملکیان، شهرام پا زوکی، بابک عالیخانی، محمد تقی سبحانی، آیت‌الله محمد باقر عارفی و برخی از فضلاء حوزوی در زمینه مطالعات سیاسی، اجتماعی، عرفانی و فلسفی مورد نقد و بررسی قرار گرفت. از میان آن‌ها استاد لگنهاوسن در گفت‌وگو با من اسلام و مسیحیت از این رویکرد بسیار استقبال کردند و با بزرگواری بر آن تذمبه ننوشتند. سرانجام، این نظریه در نشست‌های گروه «مطالعات اسلام و غرب» که اکنون به «گروه مطالعات تمدنی» تغییر نام یافته است - و «جنبش نرم‌افزار» حضور محققان و اندیشمندان در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی یکی از شاخه‌های دیگری از آن رفع گردید. بدون شک صورت‌بندی این نظریه در نشست اسلامی نمونه‌ای از تلاش جمعی و بین‌الادیانی در موضوعات مشترک الهیاتی مانند مقوله «رنج مقدس» است که هر یک از اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در آن مشارکت جسته و به طور غیرمستقیم با یکدیگر به گفت‌وگو پرداخته‌اند.

همه این مساعده‌ها وقتی به ثمر نشست، همسر من هیخته‌ام در کمال بردباری سختی‌ها و ناملایمات کاری‌ام را در سفر و حضر تحمل نمودند و انجام دادن این کار را مانند کارهای دیگر بر من آسان کردند. فرزندان عزیزم زهرا و محمدمهدی نیز که بر پدر خود، به‌رغم تمامی مشغله‌های علمی و ادبی، سخت نگرفتند، در تسهیل این کار سهم ویژه‌ای داشتند. سرانجام باید اذعان کنم که این همه از لطف استادان و همراهانم، همه مرهون دعای خیر پدر و مادرم و عنایت خداوند متعال بوده است که امید دارم قدردان و شاکر آن‌ها باشم. آمین!

مقدمه محمد لگنهاوسن

مایه بسی^۱ افتخار است که منم درباره کتاب رنج عرفانی و شور اجتماعی چند کلمه‌ای بنویسم. از آنجا که منم آدمی همواره مشحون از درد و رنج بوده، مسئله رنج از جمله مسائل مورد توجه انسان‌ها بوده است. برای مسیحیان، آلام و رنج‌های مسیح پسر مریم (س) به عنوان نمونه و ایدئال^۲ به شمار می‌روند. از همین رو،^۳ اندیشمندان مسیحی طیف گسترده‌ای از نظریات الهیاتی را بسط داده‌اند تا بتوانند ماهیت مصایب مسیح را فهم و تفسیر نمایند. مهم‌ترین نظریه در این بیان، نظریه رهایی^۴ است. بر پایه این نظریه، رهاگر در درد و مرگ عیسی بن مریم (ع) و قربانی‌ای که بر بالای صلیب به درگاه خدای خود تقدیم شد، گناهان آدمی آمرزیده می‌شود.

برای مسلمانان شیعه نیز رنج و محنت امام حسین (ع) رنج تبری^۵ و ایدئال بوده است، ولی در اسلام نه گناه اولیه، آنچنان‌که در مسیحیت گفته می‌شود، وجود دارد و نه الهیات رهایی^۶ که در آن خون امام حسین (ع) بهای بخشش خداوندی و رهایی آدمی از گناه ذاتی‌اش باشد. اساساً در اسلام چیزی به نام الهیات تبرئه و تنزیه^۷ وجود ندارد، که در آن حقانیت امام حسین (ع)، به موجب

1. paradigmatic

3. theology of redemption

2. redemption

4. theology of redemption

قربانی شدنش، به انسان‌های گنهکار تسری یابد و آن‌ها نیز از گناهان خود پاک یا تبرئه شوند.

هر چند واکنش‌ها به آلام و دردهای حسین بن علی در تقویم دینی شیعیان بسیار برجسته بوده، و در این موضوع گنجینه‌های غنی‌ای از اشعار به‌وجود آمده است، و هرچند، هر ساله تمامی هم جهان تشیع به انجام مراسم‌های یادبود و سوگواری‌های خالصانه دربارهٔ امام حسین (ع) معطوف و صرف می‌شود، لیکن تجربه‌پردازی‌های کلامی و الهیاتی در موضوع محنت و مصیبت، بسیار اندک و گاه ناچیز بوده است.

حسین بن علی که حبیب‌الله بابایی از خود نشان داده است، در همین جهت معنای بسیار عمیقی می‌کند. وی در این کتاب مبنای متقن و معتبری را ارائه می‌کند که من امید و استیانت داریم بر این مبنا، الهیات اسلامی بسیار بسط خواهد یافت و به خواست خدا بعداً تازه‌ها بر آن افزوده خواهد شد.

یکی از ویژگی‌های چشم‌گیر این کتاب و ایده‌های الهیاتی که در آن مطرح گردیده این است که نشان می‌دهد چگونه ممکن است طرح خداوند برای کشش انسان به سوی خود از طریق این مصایب امام حسین (ع) عملی شود. بر این اساس، وجود چنین آلام و مصایبی می‌تواند زمینه‌ساز انسجام اجتماعی در میان تمامی کسانی که حقانیت آرمان‌های حسین را درک می‌کنند باشد. چنین انسجامی در بستر مشترک تجربه سوگواری برای حادثه‌ای که کربلا پدید می‌آید.

البته مقولاتی همچون شهادت و انسجام برابری برابری به راحتی به راحتی می‌توانند بهانه‌ای برای شهوت انتقام، نفرت، و خشونت باشد، و نکته ارزشمند این کتاب آن است که به خوبی نشان می‌دهد که می‌توان چنین بهانه‌جویی‌ها را در عین یاد رنج و مصیبت از بین برد و با تأکید بر روح کلی در برابر اراده خداوندی، که پیام اصلی شهادت امام حسین (ع) نیز همین است، در میان سوگواران انسجام فراگیری به‌وجود آورد و آن‌ها را به سوی رهایی سوق داد.

خواننده نباید در این نکته تردید کند که سوگواری، که خود یکی از مصادیق رنج و محنت است، تنها یک رنج انفعالی وارفته و بی‌رمق یا احساس ناراحتی صرف است، بلکه این سوگواری، درد و رنجی فعال برای مصایب امام حسین (ع) است، رنجی است برآمده از سختی و مشقت برای آزادی انسانی. سوگواری

نمایش عشق است و این عشق با ذکر رنج‌های معشوق شعله‌ورتر می‌شود. زمانی که این «ذکر رنج» آکنده از «عشق» باشد، هر دو («ذکر» و «عشق») عمیق‌تر و کامل‌تر می‌شود. از میان جلوه‌های این عمق و کمال که در این کتاب آمده، نویسنده ما را با ابعاد این جهانی، وجودی، اجتماعی، اختیاری، عقلانی، و احساسی رنج مثبت^۱ آشنا می‌کند. نتیجه سخن، دعوتی است به سوگواری‌رهای بخش^۲ که «تیرید» کارکرد آن انسجام همه انسان‌ها در سرسپردگی خداوند خواهد بود.

حاج محمد لگنهاوسن

قم، ایران، ۳ می ۲۰۱۳

www.ketab.ir

مقدمه

وضعیت مشترک بین

آنچه جوهره وضعیت نوین معاصر را در مغرب زمین تشکیل داده، نه یک فکر بلکه یک واقعیت و نه یک ایدئولوژی مطلق لیبرالیسم یا یک آیین مانند سکولاریسم، بلکه یک فرهنگ بوده، که از باستان تا ظهور مسیح و آن گاه از قرون وسطا تا عصر اصلاحات و بعد روشنگری و پس از آن در دوران نوین و پسانوین ادامه یافته است. این فرهنگ فرهنگ «فقدان قدر مشترک» است. «فقدان قدر مشترک» در متن نظام اجتماعی در زمانه باستان (یونان و روم باستان) شکل گرفت و سپس در دوره نخستین قرون وسطا، و بعد به هنگام رنسانس، فئودالیستی دوره متأخر ادامه یافت، و آن گاه در دوران بورژواها، همانان اصلاحات دینی و برای شکستن اقتدار اقتصادی مسیحیت شدت و عمق بیشتر گشت. با ظهور فلسفه های مؤثر و انقلاب های اثرگذار تا دوره نوین ادامه یافت و برنده برده شد تجزیه ها و تکه ها و شکاف های تمدنی و فرهنگی با ظهور انقلاب های صنعتی و سرمایه داری و با رخدادهایی همچون جنگ جهانی اول و دوم و یافت و سرانجام در عصر پسانوین به اوج خود رسید.

سطوح تفاوت ها، علل تنوع ها، و همین طور شیوه های اختلاف ورزی در دوره گذشته (پشانوین) با آنچه امروزه در حال رخ دادن است فرق داشته است. تفاوت ها بین «خود و دیگری» و اختلاف های حاصل از آن در گذشته

علت ساده‌ای داشته و فرایند آسانی را — هم در شکل‌گیری اختلاف و هم در شکل‌گیری انسجام — شکل داده است. این گسست‌ها در گذشته بین «خود و دیگری» رخ می‌داده، بی‌آنکه هویت و معنای «خود»‌ها تغییر کند، لیکن این چالش با گذشت زمان در دوره متأخر از «خود و دیگری» به چالش میان «خود و خود» سوق یافته و لایه‌های درونی و شخصیتی انسان را هم درنور دیده است. عصر جدید، زمینه‌ها و علل جدیدی برای شکاف میان «من و من» و بعد «من و دیگری» ظاهر شده است. نخستین ویژگی در شکاف‌های امروزی، نوعی رنج‌گزینی است. امروزه آدمی خود را در هر لحظه در وضعیتی پر از گزینه‌ها می‌بیند و باید هر آن یکی را برگزیند. از این رو، کسی نمی‌تواند خود را از وضعیت موجود به تکرار، که هر روز بر گزینه‌های پیش‌رو افزوده می‌شود، کنار بکشد و برگزینی است یا به سرنوشتی مشخص قناعت ورزد. در جامعه کنونی نوین، به دلیل سرعت گسترده و سرعت تغییر و تحول، حفظ سرنوشت، هویت و وضعیتی ثابت بسیار دشوار می‌نشدنی می‌نماید. آدمی به سبب بمباران اطلاعاتی از یک سو و تنوع در زندگی اجتماعی، که حاصل نظام سرمایه‌داری است از سوی دیگر، تحت جبر اجتماعی قرار گرفته و باید همواره انتخاب‌های پیوسته و البته گسسته‌ای انجام دهد. انسان نوین همواره با تنوع بیشتر و متنوع‌تر از گذشته انتخاب کند و هرگز به یک وضعیتی یک‌فکری، مهم‌تر از همه، به یک هویت راضی شود. این اختیاری که به جبر بدل یافته گم‌گونی شدن را به ارزش تبدیل و هویت انسانی را دگرگون کرده است، موجب شده که آدمی هویت خود را در گونه‌گون شدن می‌بیند و عوامل مشترک انسانی در دوره‌های اخلاقی و انسانی را نادیده می‌گیرد. این نوع از تنوع و تفاوت، نوعی معضله برای راه اجتماعی شدن است، که زمینه‌های تشتت و ازهم‌گسیختگی و اختلافات بین اجتماعی را فراهم می‌آورد.^۱

ویژگی دیگر برای این وضعیت متکثر آن است که دامنه شکل‌های جدید نه فقط در حوزه عمل، بلکه در حوزه اندیشه، عقیده و نظر نیز گسترش یافته است. آدمی امروزه چون بسیار متنوع فکر می‌کند بسیار متنوع هم عمل می‌کند، و چون بسیار متنوع عمل می‌کند با دیگران و بلکه با خود دیروز و تحود فردا

۱. → Berger, *The Heretical Imperative, Contemporary Possibilities of Religious Affirmation*, p. 10; and see: Berger, et. al., *Homeless Mind, Modernization and Consciousness*, p. 25.

نیز بسیار فرق می‌کند. نه فقط برون آدمی در عصر جدید متغیر و متنوع نشان می‌دهد، بلکه اندرون آدمی نیز متغیر و متحول شده، و نه تنها با محیط پیرامونی خود احساس ناهمگنی می‌کند بلکه «خود» را نیز بیگانه حس می‌کند. امروزه این پرسش معرفت‌شناختی که «من چه می‌توانم بدانم؟» صرفاً سؤال فلاسفه نیست، بلکه پرسش انسان نوین در خیابان نیز هست. انسان نوین در خیابان نمی‌داند که چه می‌تواند و چه باید بداند و چه باید انجام بدهد. این ندانسته‌ها قرار و آرامش را از آدمی بازستانیده^۱ و خود امروز او را از خود دیروزش و خود فردای وی جدا ساخته و نسبت او را با دیگران آشفته و پریشان کرده است.

اکنون بعضی تفاوت‌های دینی و اجتماعی را دیگر نمی‌توان با تساهل^۲ حل کرده امروز تفاوت‌ها از حوزه زندگی سیاسی گذر کرده و در لایه‌های هویتی رسوخ شده است. دیگر با تسامح و تساهل حل شدنی نیست.^۳ حال سخن در آن است که در حین عصری که آدمی حقایق مشترک را از طریق خردورزی قابل اکتساب نداند به تعبیر جان رالز: «نه فقط دلایل برای کشف حقیقت ناکافی شده، بلکه خود دلایل عامی مضاعف در بروز تکررها گردیده است»، آیا می‌توان راهی در طراحی درست جایگاه (هویت مبتنی بر داشتن‌ها) در زیست دینی پیدا کرد؟^۴ راه مواجهه با این وضعیت چیست؟

راهکارها و رویکردهای مختلف نسبت به وضعیت متکثر نوین

در مواجهه با معضل تکثر قدیم و جدید رویکردهای مختلفی در تاریخ اندیشه غربی وجود داشته است. در پژوهش‌های معاصر همکاران از اندیشمندان در حوزه اخلاق، الهیات، جامعه‌شناسی، و علوم سیاسی تلاش کرده‌اند به گونه‌ای پرسش «هن و دیگری» را حل و راه را برای ایجاد انسجام اجتماعی همگرا و صلح‌آمیز از اندیشمندان، مانند پیتز برگره و شاگردان وی همچون جیمز هانر،^۵ متیلف و

1. Peter L. Berger, *The Heretical Imperative, Contemporary Possibilities of Religious Affirmation*, pp. 18-19.

2. tolerance

3. Ibid, p. 3.

4. → Gunton, *The One, The Three and The Many, God, Creation and the Cultural of Modernity*, pp. 1-2, 27.

5. Peter L. Berger

6. James Hunter

تنوع در دنیای جدید را از منظر علوم اجتماعی نگاه کرده و آثار و راهکارهای کنترل آن را هم از همان منظر بررسی کرده‌اند.^۱ کسانی مانند ویلیام کانلی^۲ هم، تلاش می‌کنند از منظر علوم سیاسی مسئلهٔ تکثر فرهنگی و تنوع‌های هویتی را مطالعه و پیشنهادهایی را در این زمینه ارائه کنند.^۳ در این باره افرادی هم هستند، که با تکیه بر گسترهٔ دانش تاریخی و فلسفی‌شان، می‌خواهند بدین تنوع، جامع‌تر بنگرند و راه‌های برون‌رفت از معضله‌های حاصل از تکثر را بیان کنند. کاری که چارلز تیلور در کتاب *عصر سکولار*^۴ و یا در مقالهٔ «تنوع فرهنگی»^۵ مطرح می‌کند از این قبیل است. اما اجتماعی بودن موضوع تکثر و تنوع موجب نشده است که الهی‌دانان از آن غافل بمانند و ظرفیت‌های خود را در پاسخ به مسئلهٔ انسان عصر در نظر نیاورند. بدین منظور بسیاری از الهی‌دانان جدید، برای فهم وضعیت جهان و استناد به ادبیات دینی و الهیات قدیم، گام‌های متعددی در تفسیر وضعیت برون‌محلی معضله‌های جامعهٔ کنونی برداشته‌اند. این‌ها می‌کوشند معنا و ماهیت الهیات، تکثرات خداساخت و تنوع‌های انسان ساخت را معلوم کنند و نقش الهیات را، استفاده از برخی تکثرها و تفاوت‌هایی که دارای ظرفیت هستند و در اغلب از تفاوت‌ها و تکثرهایی که مشکل به شمار می‌روند، روشن سازند.

نگرش الهیاتی به وضعیت متکثرجویی

در نگرش الهیاتی به مسئلهٔ تکثرهای حاصل از وضعیت کنونی، کتاب‌های بسیار متعددی نگاشته شده است. از جملهٔ این کتاب‌ها می‌توان به *الهیات، صورت سیاسی، و پلورالیسم؟*

1. → Peter L. Berger, *The Heretical Imperative, Contemporary Possibilities of Religious Affirmation*, Anchor Books, Anchor Press / Doubleday, New York, 1980; and James Davison Hunter, *To Change the World, the Irony, Tragedy, & Possibility of Christianity in the Late Modern World*, New York, Oxford University Press, 2010.

2. William E. Connolly

3. → William E. Connolly, *Ethos of Pluralization*, USA, University of Minnesota Press, 1995.

4. Charles Taylor, *A Secular Age*, Cambridge, Massachusetts, and London, The Bleknep Press of Harvard University Press, 2007.

5. Charles Taylor, *Multiculturalism, Examining the Politics of Recognition*, Ed. By Amy Gutmann, New Jersey, Princeton, Princeton University Press, 1994.

6. Kristen Deede Johnson, *Theology, Political Theory, and Pluralism Beyond Tolerance and Difference*, New York, Cambridge University Press, 2007.

یکی، سه‌تا، و چندتا؛ و شور مبارک برای نظم^۱ اشاره کرد.^۲ آنچه در رویکردهای الهیاتی بر آن تأکید می‌شود اولاً تفسیر تکثر در خلقت، و سپس تفسیر آن در وضعیت متکثر امروز، با استفاده از گفته‌های متألّهان، و تأکید بر مقوله عشق و قدرت وحدت‌زایی آن است. با وجود تلاش‌های فراوانی که الهی‌دانان در مواجهه با وضعیت تکثر^۳ و تنوع^۴ انجام داده‌اند، برخی از موضوع‌های مهم در الهیات و نسبت آن با وضعیت تکثرآلود نوین، مغفول باقی مانده و اهمیت برخی از مقوله‌های الهیاتی در امور دنیوی و حل مسائل این جهانی نادیده گرفته شده است. یکی از این موضوع‌های مهم در الهیات مسیحی و الهیات یهودی مصایب متعالی پیامبران در مسیحیت و یهودیت است. در مسیحیت رنج عیسی مسیح (ع) و در یهودیت رنج‌های ایوب پیامبر (ع) مطالعه می‌شود. لیکن نسبت به شکل‌های امروزی انسان معاصر، و اینکه کارکردهای یاد این رنج‌ها در برخورد با رنج‌های دنیوی چیست، دقت لازم نشده است.

جایگاه رنج‌های متألّهان، الهیات معطوف به وضعیت نوین

آنچه در الهیات مسیحی و یهودی بر سر آلام و بلاها گفته شده بیشتر معطوف به مسئله شر در الهیات بوده است. شر به مسئله شر در الهیات یهودی و مسیحی برای پاسخ به مقوله شر و نسبت آن با خدای خوبی‌ها بوده است. علاقه متکلمین مسیحی به هولوکاست نیز به این دلیل بوده است تا آن را نسبت به خدایی که خیر محض است بررسی کنند و بدین سؤال پاسخ دهند که اگر خدا خیر محض است چرا مآل و وقوع چنین شری در عالم نمی‌شود؟ بلاها به این، آنجایی هم که سخن از رنج عیسی مسیح (ع) به میان می‌آید به ابداً کلاماً آن ندیده گناه است) توجه می‌کنند و نه کارکردهای این جهانی و وحدت‌بخش این مصایب مقدس در مواجهه با رنج‌های سکولار و نسبت به شکاف‌های جامعه امروز.

1. John E. Gunton, *The One, The Three and The Many, God, Creation and the Cultural of Christianity*.

2. David Tracy, *Blessed Rage of Order, The New Pluralism in Theology*, Chicago and London, The University of Chicago Press, 1996.

3. Charles T. Mathews, "Pluralism, Otherness, and the Augustinian Tradition", *Modern Theology*, 14: 1 January, 1998.

4. plurality

5. diversity

بیا این همه، رویکردهای نو به رنج عیسی مسیح (ع) و یا حتی مصایب ایوب نبی (ع) در مطالعات مسیحی و یهودی قابل توجه بوده است. کارهای اخیر یورگن مولتمان، در نگرش سیاسی و اجتماعی به مسئله صلیب در کتاب *خدای مصلوب*^۱ و نگاه الهیاتی تاریخی به مقوله امید در کتاب *الهیات امید*^۲، از همین دست بوده است. رویکرد مولتمان به عیسای مصلوب رویکردی الهیاتی به تاریخ رنج و رستاخیز عیسی مسیح (ع) است. در حقیقت ایشان رنج مصایب مسیح و امید به رستاخیز را یک رویکرد الهیاتی در بستر تاریخ مطالعه کرده و معنا و کارکرد آن را برای کسانی که بین این دو واقعه (مصیبت و رستاخیز دوم) زندگی می‌کند بررسی و تحلیل کرده است. مولتمان در *الهیات امید* و بعد در *خدای مصلوب*، که دو رویه از یک رویکرد است، شمار می‌روند، به سؤالاتی از این دست پاسخ می‌دهد: الف) نسبت الهیاتی میان خدا، حال و آینده تاریخ به مثابه فعل خدا چیست؟ آیا بدون گذشته و حال نتوان آینده را ساخت و یا آن را دست کم فهمید؟ ب) نسبت میان امید وجودی و زندگی سرافرازان شناختی — به آینده و رنج در حال و گذشته چیست و چگونه می‌توان از رنج گذشته یاد آینده رنج‌های امروزی بشر را چاره کرد؟ در این میان چه نسبتی است بین رنج پیامبران همچون عیسی مسیح (ع) با رنج انسان‌های عادی، آن هم در عصری که پیوسته زنده بر روی زمین وجود ندارد؟ با همه تلاشی که مولتمان برای رسیدن به نگرش نوین و کاربردی به مسئله صلیب می‌کند، لیکن وی نیز کارکردهای انسجام‌بخشی نظریه‌های آن را در مواجهه با وضعیت متکثر جدید، در درون جامعه مسیحی و هم‌بسته نسبت به ادیان دیگر، تحلیل نکرده است.

اما اینکه چرا توجه به مصایب متعالی عیسی مسیح (ع) نسبت به زندگی این جهانی مطالعه نشده شاید بدان سبب بوده است که مسیحیت، به خصوص پروتستانیسم، که بر اینجا و اکنون تأکید می‌ورزد، همواره می‌کوشد تا با یاد بر خوشی و لذت از رنج و مصیبت بگریزد. از این رو، حتی با درنج‌های متعالی مربوط به آیین خود را هم در روز جمعه نیک^۳ بسیار سطحی و صورتی برگزار می‌کند. در

1. Jürgen Moltmann, *The Crucified God*, Translated by R.A. Wilson and John Bowden, Fortress Press (ed.), New York, Harper & Row, 1993.

2. Idem., *Theology of Hope*, New York, Harper & Row, Fortress Press (ed.), 1993.

3. Good Friday

نگرش کاتولیکی هم هرچند توجه به رنج عیسی (ع) بیشتر است، لیکن دین و دنیا چنان پیوندی ندارند که بتوان از رهگذر رنج عیسی (ع) انتظار تحول دنیا را داشت. علاوه بر اینکه الهیات مسیحی الهیات بین‌الادیانی نیست که کارکردهای رنج مسیح را برای انسان دیندار معاصر، و نه صرفاً مسیحی معاصر، در نظر بگیرد.

وانگهی مسیحیان و یهودیان، که در حل مشکل‌های زندگی و کنترل رنج‌ها و شش‌های اجتماعی از مصایب متعالی غفلت می‌کنند، در حل معضل‌های دنیوی‌شان رنج‌ها و آلام دنیوی و این جهانی (رنج‌های سکولار) تأکید فراوان می‌کنند و همواره آن‌ها را ذکر و به آن‌ها توجه می‌کنند. بسیار شگفتی‌زاست که در وضعیتی مسیحیان زیاد رنج‌های پیامبر خود در زندگی این جهانی گریزان‌اند، رنج‌های سکولار مصایب انسان معاصر را همچنان در یاد دارند و خاطرات تراژدی‌های انسانی به یاد می‌آورند و از این رهگذر تلاش می‌کنند بین خود انسجام حاصلی بوجود آورند. اینکه مسیحیان بر حادثه یازدهم سپتامبر تأکید می‌ورزند، اینکه سیاهان مسیحی آلام بردگان سیاه را در آمریکا همواره در خاطره‌ها زنده می‌دارند، و اینکه یهودیان به جای مصایب موسی (ع) و یا مصایب یابوب نبی (ع) بر هولوکاست اصرار می‌ورزند، همه نشان از این حقیقت دارد که انسان دیندار امروز، حتی در امور مربوط به شر و مصیبت نیز، سکولار شده است و آلام سکولار را بر آلام مقدس و متعالی ترجیح می‌دهد و از آن برای سامان دادن زندگی خود سود می‌جوید. برای مثال، بردگان سیاهان در آمریکا، که متعلق به گذشته است، هنوز یکی از عناصر هویت‌ساز و انباشته‌ی جامعه سیاهان است و بررسی از محققان در علوم سیاسی نیز تلاش کرده‌اند این جامعه را به یک نظریه بدل سازند و به یادکردن رنج‌های بردگان سیاه آمریکا توصیه جدی‌تری که بر آن رهگذر انسجام و وحدت اجتماعی را در آمریکا به وجود آورند.^۱ همین‌روز با یازدهم سپتامبر در جامعه بسیار متکثر آمریکا تبدیل به نمادی از وحدت شده است. سوای که افراد مختلف از ادیان و فرهنگ‌های متنوع با یاد تراژدی مشترک یازدهم سپتامبر می‌کوشند انسجام پیدا کنند و متفقاً بر نفی آنچه باعث چنین تراژدی‌ای شده است اصرار ورزند. یهودیان نیز با تأسیس موزه‌های هولوکاست در جوامع مختلف، مانند

۱. Stephen K. White, *The Ethos of a Late-Modern Citizen*, Harvard University Press, 2009.

موزه هولوکاست^۱ واشنگتن، تلاش می‌کنند با یاد گذشته خود هویت اقلیت یهودی را در جامعه متکثر غرب حفظ کنند و نوعی وحدت و هویت را میان خود به وجود آورند.

حال پرسش اصلی این است که آیا تأکید بر رنج‌های سکولار می‌تواند باعث ایجاد وحدت و انسجام شود یا اصرار بر زنده نگاه داشتن مصایب سکولار، بدون توجه به مصایب متعالی همچون مصایب پیامبران الهی، نه انسجام بلکه آتش خشم و انتقام را شعله‌ورتر می‌کند؟ این پرسش یکی از سؤال‌های صحوری کتاب خواهد بود تا معلوم کند که یاد کدام‌یک از مصایب انسانی — مصایب متعالی یا مصایب سکولار — کارکرد انسانی و اخلاقی دارد و کدام‌یک ممکن است به خشم و اختلاف منجر شود.

وضعیت متکثر نوین و جامعه ایرانی

برخی از محققان مسلمان اصرار دارند که مسئله تفاوت‌ها و تنوع‌ها مسئله‌ای ذاتاً غربی است و به تاریخ و سنت اسلامی ربطی ندارد و پرداختن به آن ما را به لحاظ فکری به انحراف می‌برد. هر چند این سخن درست است و تفاوت‌های غرب نوین با تفاوت‌ها در ایران و دنیای اسلام فرق می‌کند، ولی نباید شک کرد که جامعه‌ای مانند ایران نیز در حال تجربه تکثرهای تازه‌ای است که می‌تواند بسیار پیچیده‌تر از کثرت در دنیای غرب باشد. کثرت و تنوع و تفاوت در دنیای سنتی به دو صورت ظاهر می‌شود؛ یک‌بار سخن از تفاوت در چارچوب‌های سنتی و باقی‌مانده از گذشته مسلمانان و یا ایرانیان است، باقی هم می‌توان سخن از تفاوت‌های نوین در دنیای غیرنوین و تأثیر آن در صورت‌بندی تمدن دینی و اسلامی به میان آورد. از آنجا که تفاوت و تکثر نوین برآمده از مدرنیته شهری شدن^۲، صنعتی شدن^۳، و جهانی شدن^۴ است و هر سه آن‌ها در دنیای اسلام و ایران امروز نیز در حال صیورورت است، پس سؤال زیر را می‌توان پرسید:

1. Holocaust Memorial Museum

2. urbanization

3. industrialization

4. globalization

5. → Hunter, *To Change the World, the Irony, Tragedy, & Possibility of Christianity in the Late Modern World*, pp. 200-201.

علاوه بر تفاوت‌های سنتی، نه فقط چالش و پریشانی است برای مسلمانانی که مقیم دنیای غرب هستند، بلکه سؤال مسلمان ایران و مصر و مراکش نیز هست. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که در بحث تفاوت‌ها معضل جامعه‌ای مانند ایران اسلامی، که در فکر ایجاد الگویی از تمدن اسلامی است، پیچیده‌تر از تفاوت‌های دنیای نوین غربی است، چراکه تفاوت‌ها در ایران دوره گذاری را طی می‌کند که در آن تفاوت‌های سنتی و تفاوت‌های نوین در نسبتی تعریف‌ناشده با هم منظم نقش‌آفرینی می‌کنند. درهم‌آمیختگی بسیاری از تفاوت‌های متنوع چالش‌های نظری در بحث «یک و چند» را مشکل‌تر ساخته و محدودیت‌هایی را در سازداری اجتماعی و سیستمی به وجود آورده است.

با این استدلال درست است که آنچه در ایران وجود دارد به کلی متفاوت با دنیای غرب است، لیکن مشکل آنجاست که اصولاً پلورالیسم به وجود آمده در ایران ریشه فرهنگی ندارد. فقدان این سابقه در تاریخ ایران می‌تواند آسیب‌پذیری ما را در قبال این چالش‌ها و تکرارهای موجود بیشتر کند. آنچه تفاوت‌ها و تکرارهای موجود در ایران را متفاوت از تکرارهای موجود در غرب می‌کند درهم‌تنیدگی نامنظم و آشفتگی است از: ۱. تفاوت‌های با تمدن دنیای نوین، ۲. تفاوت‌های برآمده از سنت و تاریخ اسلامی، ۳. تفاوت‌های برآمده از هویت ملی و ایرانی، و البته ۴. درهم‌تنیدگی و پیچیدگی این تکرارها و تفاوت‌ها در ایران امروز، که کار را بر محققان مسلمان امروز دشوار کرده است. پیچیدگی مذکور صرفاً به دلیل وجود عناصر متعدد هویت‌ساز در ایران امروز نیست، بلکه ابهام در سهم هریک از آنها در شکل‌بندی هویت «من ایرانی مسلمان» است که امکان شکل‌گیری هویت توحیدی، هویت اجتماعی، و هویت ملی را دشوار و گاه ناممکن جلوه می‌دهد.

حال پرسش مهم مسلمان ایرانی آن است که آیا در عصر تفاوت‌های دنیای نوین امکان زندگی در تمدن یا فرهنگ توحیدی و اسلامی وجود دارد یا اساساً عصر تفاوت‌ها و تکرارها، آن‌گونه که برخی ادعا کرده‌اند، عقیده‌ای متکثر را اقتضا می‌کند؟ به بیان روشن‌تر چگونه می‌توان انسجام اجتماعی مبتنی بر عقیده توحیدی را جایگزین انسجام مادی و سرمایه‌داری در دنیای چندخدایی پسانوین کرد؟

خلأهای الهیاتی در رویکردهای روشنفکری

جریان روشنفکری معاصر ایران در مقایسه با روشنفکران دنیای غرب عقب‌ماندگی‌هایی دارد که یکی از آن‌ها عقب‌ماندگی در نگرش دینی و الهیاتی به مقوله‌های روشنفکری همچون بحث تفاوت و تکثر است. آنچه ما در روشنفکری فعلی ایران، چه در دانشگاه و چه در حوزه، می‌بینیم، استفاده از روش‌های سکولار برای پاسخ به پرسش‌های سکولاری است که از دوره روشنگری تا دوره ناسیونالیسم و از آن دوره تا وضعیت پسانوین به ما — به ناحق — ارث رسیده است. در مغرب‌زمین اندیشمندان دینی در مواجهه با مسائل نوین فعال‌تر از روشنفکران و اندیشمندان سکولاری در ایران عمل کرده و در فعال کردن ظرفیت‌های الهیاتی در مقابل نظام سکولار بسیار تلاش کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به جریان الهیات عملی در آلمان، الهیات جدید در غرب اشاره کرد؛ درحالی‌که در فضای فکری ایران کمتر روشنفکران و اندیشمندی، در حوزه مطالعات دینی، ظرفیت‌های اندیشه دینی را نسبت به روش‌های نوین فعال، و از آن در حل مسائل جامعه امروز استفاده می‌کند. این در حالی است که مؤلفه‌های بسیاری در اندیشه دینی و الهیاتی وجود دارد که باید مسئله‌ای جامعه امروز را کمتر کند و راه را برای همزیستی و بلکه سعادت و رفاه میان مسلمانان، دینداران، و انسان‌ها هموار نماید. اتخاذ رویکرد دینی در مواجهه با مدرنیته — چه مدرنیته در غرب و چه مدرنیته در شرق — و توجه به ظرفیت‌های فرهنگی، و تاریخی جوامع سنت‌گرا هم در حل معضلات جامعه معاصر بسیار مؤثر خواهد بود و هم باعث شناخت ظرفیت‌های اندیشه دینی، چالش‌های معاصر دینی، و نقاط مقایسه‌پذیر آن با تفکرهای نوین، و نهایتاً فعلیت یافتن استعدادهای الهیاتی در سنت‌های دینی و رشد و توسعه آن‌ها می‌شود.

جایگاه رنج متعالی در ادبیات روشنفکری

یکی از این مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در میان الهیات دینی را می‌توان مصایبی دانست که پیامبران و انسان‌های کامل در راه رساندن پیام الهی و در طریق ارزش‌های قدسی تحمل کرده‌اند و جان خود را قربانی اهداف متعالی نموده‌اند.

نمونه کامل این رنج متعالی را^۱، هم به لحاظ نظری در الهیات و کلام و هم به لحاظ عملی در تاریخ اسلام، در واقعه کربلا می‌توان مشاهده کرد. کربلا نمونه برجسته این مصیبت و شهادت است که البته با وجود ظرفیت‌های فراوان آن و سنت‌های عزاداری بعد از آن، نسبت آن را با زندگی امروز نه دانشمندان دانشگاهی و نه اندیشمندان حوزه مطالعه نکرده، قابلیت‌ها و کارکردهای آن را در دنیای نوین بررسی نکرده‌اند.

البته برخی از محققان رویکردهای نسبتاً نوی به مسئله عاشورا دارند، که بسیار پراکنده و محدوداند، مانند آنچه که محمود ایوب (استاد بازنشسته دانشگاه تهران) در کتاب رنج‌رهای بی‌خس در اسلام^۲ آورده است. هرچند این کتاب به حاشیای پایان‌نامه دکتری ایوب در دانشگاه تورنتو کاناداست، نگاهی متفاوت به مسئله رنج در تاریخ و سنت فکری شیعه دارد، به ارتباط آن با مسائل دنیای نوین و احداث رنج‌های مشابه در ادیان دیگر توجه نکرده است. از این رو اگر سس هم در مورد نسبت رنج وجودی و همبستگی اجتماعی در تراث فکری و یا فرهنگی شیعه ده، هیچ یک ناظر به حل معضل «دیگربود» و وضعیت امروز انسان معاصر نبوده است.

نبود مطالعات نوین در مورد کربلا، تنها رویکرد جدید به مسئله عاشورا، و غفلت از ظرفیت‌های فراوان آن در مواجهه با نیازهای انسان معاصر نویسنده را، در سال دوم فرصت مطالعاتی‌اش در دانشگاه ویرجینیای امریکا (UVA) در مؤسسه مطالعات پیشرفته در فرهنگ (IASC)^۳، واداشت تا مطالعاتی را در این باره به‌طور جد شروع کند و آن را به مخاطبین غربی ارائه دهد. در سال ۲۰۰۸ دو موضوع به ظاهر متفاوت را با دانشجویان و اساتید رشته دین‌شناسی و جامعه‌شناسی آن دانشگاه مطالعه، مباحثه و گفت‌وگو کردم: موضوع «تنوع و تکثر فرهنگی» و «کارکردهای الهیاتی از آن» و «کارکردهای بصاب متعالی پس از آن» و یاد آن در عصر «توزین»: این دو موضوع در گام نخست هیچ ارتباطی با هم نداشتند. با این پایات، فرضیه جدیدی از ترکیب آن دو حاصل شد که پیش از آن قابل حدس نبود. سلسله‌متونی که در این مطالعه بررسی شد از یک سو معطوف به فضای عصر متکثر

1. Mahmoud Ayoub, *Redemptive Suffering in Islam (A Study of the Devotional Aspects of Ashura in Twelver Shiism)*, New York, Mouton Publishers, The Hague, Bahraani, 1978.

2. UVA = University of Virginia

3. IASC = Institute for Advanced Studies in Culture

و از سوی دیگر مربوط به تفسیر اجتماعی از صلیب در ادبیات مسیحی بود. در یک طرف کتاب‌هایی که عصر متکثر را با رویکرد الهیاتی تحلیل می‌کردند، و آموزه‌های الهیات را در نقش‌بندی مسائل اجتماعی برآمده از وضعیت متکثر دخالت می‌دادند، مطالعه و با اساتید و دانشجویان دکتری آن دانشگاه درباره کتاب‌ها گفت‌وگو شد. در این باره، کتاب کولن گانتن^۱ با عنوان یکی، سه‌تا، چندتا در صورت‌بندی ذهنیت نویسنده از مسائل و چالش‌های وضعیت پرشکاف نوین بسیار مؤثر بود. گانتن در این نخست این کتاب وضعیت متکثر عصر جدید و تفسیرهای متعدد از آن را به تفصیل بیان و چالش‌های فراروی انسان را در این وضعیت بررسی می‌کند. آن‌گاه به صورت مکرر الهی‌دان مسیحی می‌کوشد الهیات تثلیثی (الهیات تکثر) را با جامعه متکثر (امپری تطبیق و از آن، با قرائت خاصی که خود ارائه می‌دهد، پاسخی برای وضعیت عصر جدید) پیوند دهد. فصول این کتاب مکرر با دکتر بیل وایلدنر^۲ بررسی شد و امکان و چالش‌های ورودی دانتان به عرصه مسائل اجتماعی به بحث گذاشته شد. کتاب دیگری که در این باره دیدگاه ویکتور الهیاتی به مقوله تکثر در عصر نوین اهمیت داشت کتاب کریستین دیل^۳ با عنوان الهیات، تئوری سیاسی، و پلورالیسم، فراتر از تساهل و تفاوت برپای کتاب، در ریشه‌یابی مسئله تفاوت‌ها در جامعه انسانی و تفسیرهای الهیاتی از آن به بحث پرداخت. به‌ویژه در اندیشه آگوستین، و همین‌طور برخی از الهی‌دانان معاصر، نسبتاً جامع بود.

در طرف دیگر، کتاب‌های مربوط به موضوع صلیب و نقش آن در صورت‌بندی تفکر اجتماعی مسیحیان شناسایی، و با برخی از دانشمندان دوره دکتری حوزه دین‌شناسی درباره آن‌ها مباحثه شد. در این باره، کتاب‌های یورگن مولتمان، در فهم پرسش‌های فلسفه تاریخی در مسئله رنج پیامبران و همین‌طور امکان تأمل اجتماعی و سیاسی در موضوع رنج مقدس، بسیار جالب توجه و چالش‌برانگیز نمود. در کنار مطالعه و گفت‌وگو با مسیحیان و یهودیان درباره مسئله اثر ربی متعالی پیامبران و کارکردهای یاد آنه در دنیای امروز، مسئله عاشورا و تفاوت‌های آن با تراژدی‌های مشابه ادیان و فرهنگ‌های دیگر، و همین‌طور کارکردهای منحصر به فرد آن در سامان‌دهی و صورت‌بندی زندگی امروز، از دغدغه‌ها و مشغولیت‌های ذهنی

1. Colin E. Gunton

2. Bill Wilder

3. Kristen Deede Johnson

و مرکزی‌تویستنده بود، تا بلکه بتوان راه برون‌رفت از وضعیت رنجانک معاصر را براساس اندیشه و سنت اسلامی بنا نمود. این تأمل‌ها در مورد واقعه عاشورا و زمینه‌های رهایی‌بخشی آن در دنیای نوین زمینه را برای شکل‌گیری نظریه جدیدی هموار کرد که براساس آن سنت شیعی در یاد مصایب متعالی (در واقعه عاشورا) بسیار مؤثرتر و مرقی‌تر، از آنچه در مسیحیت و یهودیت جریان داشت و یا آنچه در رنج‌های سکولار انسان جاری بود، جلوه می‌کرد.

لاخره پس از مطالعه و بررسی دو موضوع «وضعیت متکثر» و «نگرش اجتماعی به صلیب»، طرح پژوهشی من برای سال دوم فرصت مطالعاتی در دانشگاه ویسکانسین^۱ به شکل زیر با تأکید بر همین موضوع به مطالعه و تحقیق کارکردهای سنت و اندیشه شیعه در واقعه عاشورا در وضعیت دنیای امروز پرداختم و در صدد اثبات این نظریه^۲ رفتم که: «یاد رنج متعالی، که نمونه‌های برین آن را در تاریخ ادیان به‌ویژه در تاریخ دین مسیح می‌توان مشاهده کرد، می‌تواند راهی برای زیست توحیدی در عصر متکثر شدن باشد.» پس از آماده شدن طرح و تعریف مسئله و تبیین فرضیه و روش انجام کار، گفتگو با اساتید جامعه‌شناس و دین‌شناس در دستور کار قرار گرفت و در نهایت آنچه پژوهش، این فرضیه به گفت‌وگو و نقد و بررسی گذاشته شد. اساتید در این گروه دین‌شناسی، همچون: عبدالعزیز ساشادینا^۳ (اسلام‌شناس)، پتر اوکس^۴ (استاد در فلسفه یهودی)، پل جونز^۵ (استاد در الهیات لیبرال)، لری بوشار^۶ (استاد در الهیات تراژیک)، کون هارت^۷ (استاد در پدیدارشناسی)، چارلز متیوز^۸ (استاد در الهیات سیاسی)، و همین‌طور برخی از اساتید در گروه جامعه‌شناسی شدند: جیمز هانتز^۹ (استاد در دین و فرهنگ)، جوش یس^{۱۰} (استاد در جهانی‌شدن و شبکه‌ها و سیاری از دانشجویان دین‌شناسی و جامعه‌شناسی در مقطع دکتری به‌طور جداگانه نوشته‌ها می‌باشند) و می‌بایست گفت‌وگو کردند، تا اینکه بعد از گفت‌وگوها و نقدهای فراوان این سریه را میان اعضای هیئت علمی و محققان مؤسسه مطالعات پیشرفته در فرانسه

1. Abdulaziz Sachedina

3. Paul Jones

5. Kevin Hart

7. James Hunter

9. Institute for Advanced Studies in Culture

2. Peter Ochs

4. Larry Bouchard

6. Charles Mathews

8. Joash Yeats

در ماه می ۲۰۰۹ به طور رسمی ارائه کردم. مقاله حاصل از آن را نیز در مجله *Journal of Ecumenical Studies* که مجله‌ای بین‌الادیان و وابسته به دانشگاه تمپل^۱ است، منتشر کردم.^۲

بعد از بازگشت به ایران، این نظریه طی دو جلسه رسمی — که گروه «مطالعات اسلام و غرب» و «جنبش نرم‌افزاری» برگزار کردند — با حضور محققان و اندیشمندان در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مطرح شد و پیش از آن اصل آن و ابعاد آن با اساتید مختلف، مانند محمد لگنهاوسن، مصطفی ملکیان، شهرام پازوکی، بابک عالیخانی، محمدتقی سبحانی، و یدالله یزدان‌پناه و برخی از فضلاء محققان و اساتید مطالعات سیاسی، اجتماعی، عرفانی و اخلاقی، نقد و بررسی شد، تا اینکه به تدریج و تشویق استاد لگنهاوسن ترجمه فارسی این کار را در شماره ۵۴ نقد و بررسی شد، رسانیدم (فصل دوم در این مجصوعه).

در سال ۱۳۸۸ دو مقاله دیگر از این پژوهش به انجام رسید. در یک گام، می‌بایسته بدین پرسش بیادین پاسخ می‌دادم که چگونه می‌توان از درد و رنجی که اموری عدمی هستند، به روحیت و انسجام اجتماعی که پدیده‌های وجودی می‌باشند دست پیدا کرد. برای پاسخ به این سؤال، مقاله‌ای برای دو مخاطب ایرانی و غربی نوشتم که نسخه اصلی آن در مجله *Journal of Shia Islamic Studies* «Self-Honor and Other-Esteem in Shia Sacrifice» در مجله *Journal of Shia Islamic Studies* به سال ۲۰۱۲، شماره ۲، منتشر شد و نسخه فارسی آن هم با عنوان «قربانی، عزت خود و حرمت غیر، بازکاوی منطق شهادت‌طلبی در کربلا و تناسب آن با تعزیز نفس و تکریم دیگران» در مجله پژوهش‌های اخلاقی (دانشگاه امام خمینی) شماره ۷ چاپ شد. این مقاله فصل سوم این کتاب را شکل می‌دهد.

آنگاه در آخرین گام، برای اینکه در دام فرضیات و تعارضات نیفتیم و از واقعیات عینی و تاریخی دور نمایم این نظریه را در بستر تاریخی و فرهنگی گرفته تا معلوم شود که آیا واقعه عاشورا در تاریخ اسلام و روابط بین مسلمانان، به انسجام امت اسلامی منجر شد یا اینکه اختلاف‌ها و شکاف‌های اجتماعی را در دنیای اسلام موجب گردید. حاصل این مطالعه، مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاریخی

1. Temple university

2. → Elabibollāh Bābāi, "A Shiite Theology of Solidarity Through the Remembrance of Liberative Suffering", *Journal of Ecumenical Studies*, V. 45, N. 4.

انسجام و هویت اسلامی بعد از عاشورا» (فصل چهارم این کتاب) بود که پیش از این در مجله تاریخ اسلام، شماره ۴۷، منتشر شد و ترجمه آن نیز به زبان انگلیسی در شماره آتی مجله دوزبانه عربی - انگلیسی^۱ نشر خواهد یافت.

مدعای این نوشته

این کتاب به ارائه مثالی از کاربرد و کارکردهای مقوله‌های الهیاتی، مانند مصایب متعالی، قربانی، شهادت، و یاد این مصایب و گریه بر آن، در کنترل رنج‌های دینی و تسهیل راه‌های همزیستی میان افراد متکثر با عقاید گوناگون می‌پردازد. به نظر می‌رسد با چنین مصیبتی می‌تواند کارکردهای معنابخشی، هویت‌بخشی، انسجام‌بخشی و بلکه نجات‌بخشی در دنیای نوین داشته باشد. این رویکرد هرگز به معنای مغایرت با آموزه‌ها یا سنت‌ها و شعائر دینی مانند اقامه عزای بر امام حسین (ع) نیست، بلکه به پای بررسی (الف) امکان حضور مقوله‌های دینی در متن زندگی (متجدد، ب) تفسیری که مقوله‌های الهیاتی می‌تواند در فرایند تجدد در جامعه‌ای مانند ایران به وجود دهد و معضله‌های حاصل از آن را برطرف نماید، و (ج) راه نجاتی که اسلام می‌تواند در عصر سولاریسم پیش پای انسان جدید بگذارد، است. به بیان دیگر، یادآوری عاشورا در مواجهه با جنبه‌های تکثر و تفاوت‌های حاصل از وضعیت نوین ظرفیت‌های بسیاری خواهد داشت که در آن هم راه برای حل برخی از رنج‌های نوین، و هم زمینه برای ایجاد گفت‌وگو میان ادیان و همزیستی بین آن‌ها، و هم بستر لازم برای تعالی انسان، میان ادیان فراهم می‌شود.

با رویکرد الهیاتی در مواجهه با مسائل نوین، ما کاری مثل کار هم‌سنگ با تفکر الهیات مسیحی در برخورد با مدرنیته می‌کنیم، لیکن با بسط نظریه رنج‌های متعالی و فعال کردن جنبه‌های مثبت آن در مواجهه با رنج‌ها و مصایب سکولار. از آنجا که اندیشه‌های الهیاتی نوین گذر می‌کنیم و نظریه جدیدی را در این باره پیش می‌آوریم، اهمیت و ضرورت توجه به این نظریه از چند جهت قابل تصویر و تأکید است: نخست اینکه الهی‌دانان مسیحی و یهودی، با وجود تلاش‌های بسیار در مواجهه با دنیای نوین و همین‌طور کوشش‌هایی در بسط و تعمیق مقوله رنج،

چه سکولار و چه مقدس، در مقوله رنج متعالی مانند رنج عیسی مسیح (ع) برای مواجهه با مدرنیته، مقابله با سکولاریته و درمان و یا تسکین رنج‌های سکولار تلاشی نکرده‌اند.

دوم اینکه الهیات مسیحی و الهیات یهودی، به دلیل انحصاری بودنشان، دیگر ادیان را دین الهی نمی‌دانند و اگر به مسئله «یاد رنج متعالی» به عنوان راه نجات از رنج‌های سکولار و طریقه سعادت در این جهان و جهان دیگر هم بنگرند، آن به دین خود محدود نموده و از ظرفیت‌های آن در گفت‌وگوی بین‌الادیانی و حل تکرار دینی و امکان ارائه طریق مشترک بین‌الادیانی برای سعادت دنیوی و اخروی، دست می‌کشند، درحالی‌که در نگرش اسلامی، اهل کتاب به رسمیت شناخته می‌شوند و امکان نجات و سعادت پیروان واقعی پیامبران الهی دیگر نیز تأیید می‌شود (در ادامه در نجات).^۱

سوم اینکه مسیحیت، به ویژه کاتولیک‌ها، همواره به واقعه کربلا و شخص امام حسین (ع) توجه کرده‌اند، و به دلیل اینکه شهادت آن امام در رنج و مصیبت مشابه با حضرت مسیح (ع) است و هم به لحاظ آنکه متضمن ارزش‌های اخلاقی، عرفانی، و انسانی است، همواره بر آن تأکید ورزیده‌اند و این خود ظرفیت مهمی را در پیشنهاد الگو برای الادیانی پیش پا می‌گذارد. مثلاً توماس ماساریک می‌گوید: «گرچه کشیشان هم از ذکر مصایب حضرت مسیح مردم را متأثر می‌سازند، ولی آن شور و هیجانی که در برابر حسین (ع) یافت می‌شود در پیروان مسیح یافت نخواهد شد و گویا سبب آن این است که مصایب مسیح در برابر مصایب حسین (ع) مانند پر کاهی است بر مقلان یک کوه عظیم‌پیکر».^۲ مسیو ماریین آلمانی نیز می‌گوید: «می‌توان ادعا کرد که سبب بروز تاریخ بشریت نظیر چنین شخص مآل‌اندیش و فداکاری را به خود تندید محسوب دید. هنوز اسرای عاشورا نزد یزید نرسیده بودند که علم خون‌خواهی حسین (ع) را فرشته شد و نهضت عظیمی علیه یزید آغاز شد».^۳ موریس دوکیری می‌نویسد: «اگر

۱. «ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئون و النصارى من امن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (مائده: ۶۹).

۲. هاشمی‌نژاد، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، ص ۳۵۱.

۳. همان، ص ۴۴۱.

مورخین ما حقیقت این روز (عاشورا) را می‌دانستند و درک می‌کردند که عاشورا چه روزی است این عزاداری را مجنونانه نمی‌پنداشتند، زیرا پیروان حسین به واسطهٔ عزاداری حسین می‌دانند که پستی و زیردستی و استعمار و استثمار را نباید قبول کنند، زیرا شعار پیشرو و آقای آن‌ها تن ندادن به ظلم و ستم بود.^۱ او در ادامه می‌نویسد: «حسین شبیه‌ترین انسان روحانی به حضرت مسیح است، ولی مصایب او سخت‌تر و شدیدتر است.»^۲

دیگر آنکه عاشورا و امام حسین (ع) در جامعهٔ ایرانی ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی بسیاری دارد. یاد مصایب متعالی امام حسین (ع) یک امر حاضر، آماده، و نهایی است. به همین جهت بسیار حرکت‌زا در فرهنگ روزمرهٔ ایرانیان است و جهت دادن به آن می‌تواند اصل و خاتم فرهنگ را در درون جامعهٔ ایران به سامان برساند. جایگاه عاشورا در فرهنگ ایرانیان امر تازه‌ای نیست، بلکه بعد از عاشورا و در دوره‌های نخست اسلام در ایران، ایرانیان نسبت به این واقعه اهتمام ویژه‌ای داشتند. ایرانیان نه تنها در واقعهٔ عاشورا شرکت کردند (بنا به روایتی سی نفر از یاران امام حسین (ع) را ایرانیان تشکیل می‌دادند) بلکه در انتقام خون حسین بن علی (ع) نیز در جبههٔ مختار ثقفی شرکت کردند و آن‌ها به شهادت رسیدند. علاوه بر این، بعد از اسلام ایرانیان نیز، آن‌ها که پیش از اسلام بر سر سیاهوش می‌نشستند و عزاداری می‌کردند، این بار ویژگی‌های مؤثر و تازه‌ای را در عاشورا مشاهده کردند که بسیار متعالی‌تر و حماسی‌تر از رنج سیاهوش بود و از این رو به تدریج به جبههٔ سیاهوش به سوگ حسین (ع) پرداختند و بر عزای آن امام گریستند. امروزه این فرهنگ در جهان گسترش یافته است که هر روز و نه فقط در محرم و صفر، نه صرفاً برای ایرانیان و نه جای ایران به سوگ امام حسین (ع) می‌نشینند و بر آن اشک می‌ریزند، بلکه در سراسر جهان و در میان حتی غیرمسلمانان در شهرهای بزرگ مانند اصفهان و تهران نیز عزاداری‌ها مشارکت می‌کنند و به لحاظ فرهنگی، عقیدتی، و معنوی از آن متأثر می‌شوند. با همهٔ این ضرورت‌ها و ویژگی‌ها تردیدی ندارم که در نظر بسیاری توابع واقعهٔ عاشورا در ادبیات روشنفکری ایران، که در آن پرسش‌های روشنفکری را باید از علوم سکولار برگزید نه از الهیات و نقطهٔ شروع آن را نیز از اندیشهٔ نوین دانست نه از اندیشهٔ کلاسیک، امری بی‌معنا و گاه مضحک می‌نماید. اینکه واقعهٔ عاشورا

نه فقط برای روشنفکران ما بلکه برای منتقدان جریان روشنفکری در حوزه علمیه نیز، در چیش نظام موضوع‌های روشنفکری، جایگاهی نداشته باشد و انتخاب آن برای کار پژوهشی نوعی بدسلیقگی و کژفکری تلقی شود بدان جهت است که اولاً منذهای روشنفکرانه در ایران منذهای بسیار تنگ ترجمه‌ای هستند که حتی در نقل و انتقال تفکر نوین غربی نیز بسیار محدود و ناقص عمل می‌کنند و نمی‌بینند که امروزه غرب نوین برای حل معضله‌های جدید تنوع چگونه از تاریخ رنج‌ها و مایب رخ داده در گذشته مدد می‌جوید. اگر جایگاه رنج‌های تاریخی، رنج‌های دینی، و حتی رنج‌های سکولار را در تاریخ فکر و فرهنگ غرب امروز دریابیم، آن گاه به آن می‌توانیم ظرفیت‌های روشنفکرانه را در مقوله رنج و در مسئله رنج متعالی بفهمیم و قدر و منزلت سنت متعالی خود را بدانیم.

چارچوب

در این مجموعه چهار فصل در چهار مرحله برای تبیین گام‌به‌گام این نظریه آورده می‌شود. در گام اول به طرح کلی نظریه، مقدمه‌ها، ادبیات، دلایل و نتایج آن به‌طور اجمالی و مختصر اشاره می‌شود. در فصل دوم، به تفصیل و به گونه‌ای که در یک فصل بگنجد، ابعاد نظریه تبیین و بر آن استدلالی پدیدارشناسانه ارائه می‌شود. در این فصل نظر بر این است که رنج وجودی و رهایی‌بخش، که نمونه تاریخی آن را می‌توان در رنج پیدایش اهل بیت او مشاهده کرد، رنجی است خاتم و کمال یافته — به لحاظ تاریخی — کمال آن را می‌توان در مؤلفه‌های جمعی شش‌گانه این رنج مشاهده کرد. اینکه هیچ خاتم رنجی جمعی است نه فردی؛ رنجی عقلانی و قابل فهم است و از رنجی نیست؛ از نظر احساسی و عاطفی بسیار عمیق و مؤثر است؛ رنجی «وجودی» و برای دیگران است، بدین معنا که نه فقط «رنج از»، بلکه «رنج برای»^۱ است؛ اینها از است و

1. suffering from

۲. suffering for: «رنج برای» شبیه ایده مولتمان درباره رنج فعال (active suffering) است که نوعی رنج حاصل از عشقی شورانگیز است که در آن فرد به‌خاطر دیگران متأثر می‌شود و دست به اقدام می‌زند.

→ Moltmann, "The Crucified God Yesterday and Today: 1972-2002", *Passion for God, Theology in Two Voices*, p.75.

آدمی خود آن را برگزیده است؛ و اینکه صرفاً برای آن جهان نیست بلکه برای این دنیا نیز هست. یاد چنین رنجی که در گذشته رخ داده، می‌تواند راه مشترکی باشد برای همزیستی اجتماعی و بین‌الادیانی در زمان کنونی، برای اجتناب از رنج‌های انسانی در حال و آینده، و برای تقریب افق‌های زندگی و فلسفه و مفهوم آن به یکدیگر.

فصل سوم، تلاش می‌شود که به دو پرسش بسیار مهم پاسخ داده شود: الف) آیا تجربه رنج، مصیبت، شهادت، و همین‌طور یاد آن موجب نفی خود و تهی شدن از خود می‌شود؟ به بیان دیگر چگونه می‌توان با قربانی کردن خود و یا یاد این چنین قربانی‌ای (الهی یا انسانی) نفس (امری ایجابی) پیدا کرد؟ و ب) چگونه می‌توان با اثبات خود (در عزت نفس) کرامت دیگران را محفوظ داشت و راه را برای انسجام اجتماعی و یا وحدت با دیگران هموار کرد. در این فصل، با تحلیل و تقسیم خود به «خود مجازی» — «خود سفلی» — «خود فردی» — و «خود حقیقی» — «خود علوی» یا «خود جمعی» —، در صدد خواهیم بود فضایی را برای «نفی خود» در قربانی و «اثبات خود» در عزت نفس را از یک سو نسبت به طریقه ناقض بین «عزت نفسی خود» و «حرمت نفس دیگران» حل کنیم و حاصل آن را نمونه قربانی در تاریخ اسلام تطبیق نماییم.

در گام نهایی (فصل چهارم) که سرانجامش می‌شود که این نظریه به لحاظ تاریخی در تاریخ اسلام به بحث گذاشته شود. موارد و احوال‌های آن در مورد عاشورا و حوادث بعد از آن روشن گردد. در این فصل نه تنها خواهیم داد که یاد مصایب امام حسین (ع) در عاشورا همواره موجب وحدت است اسلامی — وحدت در قیام‌ها، وحدت در کانون‌های اسلامی، و وحدت در سبک زندگی اسلامی — در تاریخ اسلام بوده است و نه تنها مسلمانان، اعم از شیعه و سنی و حتی غیرمسلمانان نیز در صورت‌بندی هویت و «من‌الهی» خود از آن استفاده‌های تاریخی کرده‌اند.